

نقد بیانات اعلیحضرت

پانزدهم مهرماه ۹۴

امیرفیض- حقوقدان

<کسیکه نماینده یک ملت و یایک جریان تاریخی است موضع گیری شخصی نمیکند>

ازبیانات اعلیحضرت

✳ دربیانات اعلیحضرت که در ۱۵ مهرماه سال جاری انتشاریافت حد بی احتیاطی ایشان درموضع گیری ازیک جریان خارجی غیرقابل وصف است ویرخلاف توصیه ای که درگذشته سعی داشته اند به آن متکی باشند فرمایشات اخیرشان درحمایت ازاعمال آمریکا با بی احتیاطی های مفرطی همراه شده است.

لازمه محکوم کردن اظهارات شیخ حسن دراجلاس سازمان ملل متحد، **حمایت غیرمنصفانه ازاعمال آمریکا** **درسایرکشورهای جهان نبوده و نیست.** شان نماینده یک ملت ویا یک جریان تاریخی وحتی یک شخصیت سیاسی نیست که امردفاع ازاعمال کشوری که هرچه باشد جهان مترقی آنرا زیر سوال برده و میبرد آنها قاطعانه ومصممانه عهده دارشود.

هیچکس منکرنقش جمهوری اسلامی درفرایند نا آرامی های منطقه ای نیست. پیوست این دانش عمومی فلسفه اسلامی وصراحت قانون اساسی آنهاست، همچنان هم که تاکنون دیده نشده کسی حاضر به دفاع و آنها آمادگی جنگ برای اثبات اینکه آمریکا نقشی درنابسامانی وایجاد نا آرامی های کشورهای جهان نداشته وندارد شده باشد.

حیرانم که اعلیحضرت درآن حد درجانبداری ازاعمال آمریکا غرق طرفداری شده اند که خودرا آماده چالش (جنگ و منازعه) با مدعیان حضورآمریکا درنا آرامی های جهان معرفی فرموده اند.

نقش اساسی آمریکا درایجاد نا آرامی ها ومداخله درامورکشورها موضوعی مختومه ومحکوم بهاست که بوسیله شخصیت های صلاحیت دار آمریکا که ازقبیل بایدن معاون رئیس جمهور وخاتم هیلاری کلینتون وزیرامورخارجه آن کشور تصدیق شده است.

امید وارم برداشت این ارادتمند درست نباشد ولی شدت علاقه حمایت وجانبداری از آمریکا دربیانات اعلیحضرت درحدی است که تداعی میکند، اعلیحضرت منتظرفرصتی بوده اند که آمریکا راازاتهامات عدیده ای که بمناسبت دخالت درامورکشورها وسیاست تسلط برامورسیاسی واقتصادی جهان دنبال میکند بری نمایند.

ارادت به اعلیحضرت، اجازه میدهد درارزیابی بیانات اعلیحضرت این یادآوری تقدیم شود که احمدچلبی که دربین سیاستمداران خاورمیانه منفورترین سیاستمدارطرفدارآمریکا وحتی عامل جنگ وحمله ویرانگرانه آمریکا به عراق معرفی شده حد جانبداری او از آمریکا درسایه حمایت اعلیحضرت از آمریکا

قرار گرفته است؛ فکر میکنم که این اشاره شاید موجب احتیاط بیشتر اعلیحضرت در بیاناتشان بشود که تن به قبول خفت عرض آن دادم.

✳ این حیرت کتمان شدنی نیست که مخالفت رئیس شورای تجزیه طلبان با شیخ حسن روحانی احساسی و از باب نزدیکی و تقرب به آمریکاست که در اصطلاح، رقابت هوآنه نامیده میشود و الا نفاذ مشترک آن دو چنان است که یک روح در دو قالب را نشان میدهد.

هر دو قرص اعتیاد انتخابات آزاد را مصرف میکنند و در پشت صندوق رای سنگر گرفته اند که سنگر شیخ حسن باصدای رساتری است - هر دو از برجام استقبال میکنند - هر دو توسل و توکلشان به آمریکاست - هر دو با دخالت شورای نگهبان مخالفند - هر دو مخالف خشونت در مبارزه هستند - هر دو در جریان تجزیه کشور فعاند. یکی آنرا بدون ریاکاری در اسنادش پیاده کرده (ماده ۱۱ شورای تجزیه طلبان) و دیگری مودیان از طریق لایحه اختیارات استانداران زمینه های پیشرو برای تجزیه ایران فراهم میکند، - هر دو از دموکراسی و شفافیت با مردم ادعا دارند.

البته جهات افتراقی هم بین آنها هست که <در دنیا هیچ چیزی شبیه چیز دیگری نیست> ولی در کار سیاسی مختصر هماهنگی سبب اشتراک هدف شناخته میشود.

✳ در بیانات اعلیحضرت، علت موافقت با برجام از سوی اعلیحضرت جلوگیری از جنگ علیه ایران و نیز پایان اقدامات حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر عنوان شده است.

ولی؛ در مصاحبه با بی - بی - سی که قبلا انجام شد فرموده بودند: <به دلیل اینکه توافق مانع از حمله نظامی علیه ایران شده و این امر نفع مردم میباشد ازان استقبال میکنم>.

بنابراین موافقت اعلیحضرت با برجام (سند- اسارت ۲۵ ساله ایران) فقط به این توهم بوده است که موضوع جنگ به کنار گذاشته شده است نه اینکه اعلیحضرت متوقع باشند که برجام سبب توقف حمایت از تروریسم و همچنین پایان سلب آزادی از مردم ایران میگردد، زیرا مسئله رعایت حقوق بشرویا دخالت ایران در تروریسم هیچ ارتباطی به برجام ندارد و آن مسئله؛ بکلی مسئله دیگری است.

این را در اصطلاح میگویند: <خلط مبحث> که هر قدر در مناسبات کلامی مردم عوام رایج است ولی در مورد شخصیت ها ندامت زا و سبب بی اعتباری کلام و با اعتراض و یاد آوری مورد، حرکت اصل آن متوقف میشود.

برای اسایش نسبی خاطر اعلیحضرت بعرضشان میرساند که تعجیل نفرمایند سه ماه زمان قابل محاسبه ای برای تسلط آمریکانیها بر ایران نیست قدری صبر بفرمائید؛ انتخابات طویله اسلامی به همت اصلاح طلبان و حمایت شورای تجزیه طلبان سرانجام یابد آنوقت ملاحظه خواهید کرد که تمام خواسته های مشترک رئیس شورا و آمریکا بوسیله همین شیخ حسن و تیم او در ایران و خارج از کشور از قوه به فعل در خواهد آمد.

شاهد این نوید! شهادت میدهد

«اندیشکده مرکز امنیت آمریکای جدید که از آن بعنوان تیم فرعی دولت آمریکا یاد میشود در گزارشی اعلام کرد: «با سرمایه گذاری روی توافق هسته ای باید به دنبال ایجاد اصلاحات سیاسی و تداوم حمایت آمریکا از فعالان حامی ایجاد اصلاحات در ایران بود. آمریکا باید استراتژی ترویج اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران را دنبال کند» - این گزارش افروده است؛ «ارتباط نهاد های غیردولتی و مدنی ایران باید تقویت شوند»>

رئیس شورای تجزیه طلبان بعد از ۳۰ سال صرف وقت و پیریدن ها و میان برزدها رسید به ترانخابات آزاد درحالیکه شیخ حسن بعد از چند ماه تر انتخابات آزاد را ارائه داد؛ آنهم خیلی محکم تر از تر رئیس شورا. دوماه از آمدن او گذشته بود که آمریکا را کدخدا نامید و تبعیت از او را راه رستگاری شناخت، کاری که ۳۰ سال است رئیس شورا آنرا بلند گو کرده و شرط هر تحرک مبارزاتی را حمایت کشورهای خارجی میدانند.

جای نگرانی نیست

جای نگرانی برای رئیس و همه ایرانیان در خدمت آمریکا در خارج از کشور و داخل ایران نیست که احتمالا سلطه آمریکا بر ایران و حمایت آن کشور از دولت شیخ حسن سبب قطع روزی آنان از آمریکا بشود.

الی لیک، تحلیلگر پایگاه بلومبرگ، در نشریه های دیلی بیست و نیوزویک نوشت: «یکی از کارهای مهم اوپاما پس از خاتمه ریاست جمهوری باید تغییر رژیم ایران باشد. نه، اوپاما قرار نیست رئیس جمهوری بعدی را برای تجاوز به ایران و تشکیل دولت اشغالی تحت فشار قرار بدهد، بلکه رئیس جمهور باید از زمانی که پس از ترک سمت می آورد برای پرورش و حمایت از ایوزیسیون دمکراتیک ایران استفاده کند»

وی با بیان اینکه اوپاما از همین حالا باید جلسه با مخالفان نظام ایران را آغاز کند اضافه کرد باید

از نظریه پردازان انقلاب های رنگی غیرخسونت آمیز استفاده کنند.

هماهنگی بین تر نافرمانی مدنی رئیس شورا با تر نظریه پردازان انقلاب های رنگی (چین شارپ) یک امر تصادفی نیست «برای حضور سر سفره باید شرائط سفره را پذیرفت».

خبر و گزارش بالا، نوید دلگرم کننده ای است برای نوکران ایرانی آمریکا که بدانند حمایت آمریکا از شیخ حسن نانشان را سقط نمیکند و با اطمینان، به نوکری و جاسوسی برای آمریکا ادامه دهند که مزده آن

گرفت جان برادر که کار کرد»

سند ۲۵ سال اسارت ایران

واقعا اعلیحضرت در مقام نماد تاریخی ملت ایران و به اعلام خودشان پادشاه قانونی ایران و یا در مقام خود کاشته ریاست شورای تجزیه طلبان و یا اساسا بعنوان یک فرد ایرانی ساده و بی تکلف، چگونه حاکمیت خارجیان بمدت ۲۵ سال بر ملت ایران ببهانه راستی آزمایی ایرانیان که در تاریخ و فرهنگ هیچ ملتی چنین تحمیلی سابقه ندارد تکانی به احساسات وطنی ایشان نداده که بجای اعتراض به تحمیل ۲۵ سال سلطه آمریکا به ملت و شرافت ایران، مسئله خودداری از تحویل دارائی بلوکه شده ایران به دولت (جمهوری) ایران (دولتی که شورای تجزیه طلبان قائل به مشروعیت آن است) مطرح و چه در مصاحبه با بی - بی - سی و چه سخنرانی اخیر اعلام فرموده اند که دارائی های بلوکه شده ایران نباید در اختیار جمهوری اسلامی قرار گیرد و باید زیر نظر کشورها به مصارف مردم ایران برسد.^۱

عجیب آنکه شرط قبول برجام را انحصارا همین دست اندازی کشورهای خارج روی دارائی های ایران دانسته اند و کوچکترین اشاره و یا تالمی به تحمیلات سنگین برجام که در راس آنها همان حاکمیت ۲۵ ساله آمریکاست نفرموده اند آیا واقعا تحمیل ۲۵ ساله و شاید هم مدت بیشتر اهمیتی ندارد که بتوجه ایشان نرسیده؟

باطن نه آنست که ظاهر آورده است

ظاهرا اظهارات رئیس شورا نوعی جانبداری از حقوق ملت ایران راتداعی میکند؛ اما باطن آن کمک به مفسده ای است که اکنون گوشه هائی از آن به اعتبار اسناد بازگو میگردد.

✳️ تحریرات سابق راجع به مقدار و مبلغ دارائی های بلوکه شده ایران نزد آمریکا توضیحاتی داشت همراه با این نتیجه که نه جمهوری اسلامی میدانند که مبلغ دارائی های بلوکه شده ایران نزد آمریکا چقدر است و نه درباره آن اساسا صحبتی در جریان است و حتی در مجلس و کمیسیون ویژه هم کوچکترین اشاره ای به آن نشده است.

در همان تحریر اشاره شد به اظهارات باراک اوباما که میزان دارائی های بلوکه شده ایران را ۱۰۰ میلیارد و بعد آنرا به ۵۰ میلیارد تقلیل داد.

اکنون باستحضار میرساند که علت سکوت برجام و یا جمهوری اسلامی و مجلس نسبت به سرنوشت دارائی های بلوکه شده ایران مربوط است به صراحتی که در توافق نامه ژنو پیاده شده به این عبارت:

«دسترسی ایران به بخش اعظم دارائی های خارجی ایران که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است به واسطه تحریم ها امکان پذیر نیست یا محدود است» (بخش در نظر گرفتن لغو محدود تحریم ها)

^۱ زیر نظر کشورهای «بیگانه» به مصرف «مردم ایران» برسد... انگار بگویند سبد پر از مرغ و خروس و خرگوش زیر نظر گرگ گرسنه به کدخدا تحویل شود. ح-ک

بنابراین ملاحظه میفرمائید چگونه حداقل؛ ۱۰۰ میلیارد دارائی های ایران به تحریم ها کنگره آمریکا گره خورده است، و عملاً بموجب توافق نامه ژنو حق ایران نسبت به دارائی های بلوکه شده در آمریکا درگرو اراده و تصمیم کنگره قرار گرفته است.

فکر میکنم حق بود وهست که رئیس شورا وهرایرانی اول بفکر حفظ حقوق ملت ایران نسبت به کل

مبلغ دارائی های ایران که بنا براعلام بانک بین المللی ۱۵۰ میلیارد دلار است باشد وبعدها اعلام خواسته هائی نسبت به دارائی ایران که هیچ ضابطه حقوقی برای آن خواست های شخصی وجود ندارد، پرده داری نماید.

ضرب المثل اول برادریت راثابت کن وبعدها..... همینجا صدق میکند... کدام دارائی؟

ماهیت خواسته های رئیس شورا تفریط دارائی های ایران است.

ماهیت خواسته های رئیس شورا ازکشورهای خارجی که دارائی های ایران دراختیارایران قرارنگیرد، زمینه ساز حقانیت دعاوی است که علیه دارائی های ایران درآمریکا مطرح است؛ به اتفاق به دلایل آن رجوع میکنیم.

✳️ بنابرگزارش خبرگزاری آبرور **حگروهی که قربانیان تروریسم ایران معرفی شده اند با تنظیم شکوائیه ای علیه جان کری وزیرخارجه آمریکا و جک لو وزیرخزانه داری آمریکا دریکی از دادگاه های نیویورک خواسته اند از آزاد سازی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلارازاموال مصادره شده ایران وفق نتایج پایانی مذاکرات هسته ای ایران و +۱ ۵ خودداری کند.**

بیانات اعلیحضرت دررابطه با دارائی های بلوکه شده ایران درآمریکا سند بسیاربا ارزشی است که دست دادگاه نیویورک رابرای صدور حکم بنفع مدعیان قربانیان تروریست باز میکند. زیرا یکی از رهبران اپوزیسیون که معروفیت بین المللی هم دارد بنفع مدعیان شهادت داده است، هیچ سند و استدلالی به تصمیم دادگاه درمحکوم ساختن ایران به اندازه شهادت وخواست رئیس شورا که بنابراعلام خودشان بخش عظیمی ازایرانیان را نمایندگی میفرمایند نیست. حقوق دانان خوب میدانند که ارزش ارانه این سند دردادگاه چیست.

سند دیگر

قانون قربانیان تروریسم ایران - دراول اکتبرسال جاری قانونی درکنگره با ۱۵۷ رای بتصویب رسید که براساس آن **ح**دولت آمریکا راموظف میسازد قبل ازهرگونه آزاد سازی دارائی های مسدود شده ایران طبق تعهداتش دربرجام ابتدا به شهروندانش که مطابق ادعا (قربانیان خشونت ایران خوانده شده اند) غرامت پرداخت کند. خبرگزاری فرانسه که خبررامنتشرساخته گفته است رقم مورد مطالبه قربانیان خشونت ۴۳/۵ میلیارد دلاراست که دادگاه آمریکا برای قربانیان خشونت درنظرگرفته است.

سند بالا نشان میدهد که موضوع مطالبه و دعوی قربانیان خشونت، ریشه ای عمیق درکنگره آمریکا دارد و یک دعوی ساده نیست که هنوردعوا به حکم نرسیده برای اجرای آن مجوز قانونی پیاده شده است.

تصفیه حساب چه آسان

درتوافق نامه ژنو آمده است که ایران ۷ میلیارد دلار حاصل از تحریم ها دریافت خواهد کرد. که پرداخت هم شده و یا خواهد شد.

رقم مورد مطالبه قربانیان خشونت بشرح پیش گفته معادل است با ۴۳/۵ میلیارد دلار. با توجه به اینکه آقای باراک اوباما کل دارائی های بلوکه شده ایران را ۵۰ میلیارد دلار اعلام کرده حساب دارائی های مسدود شده ایران تصفیه شده تلقی میگردد. فراموش نفرمائید که کارشناسان مالی رقم دارائی های مسدود شده ایران را بابهره متعلقه نزدیک به ۲۲۰ میلیارد دلار نوشته اند.

آیا اعلیحضرت متوجه هستند که چه نقشی میتوانند درهمین برجام ومطالبات ایران وتحملات به ایران داشته باشند؟